

در دفاع از انتخابات آزاد، انتخابات فرمایشی را تحریم کنیم

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

انتخابات در جمهوری اسلامی همیشه غیر دموکراتیک بوده است. اما انتخابات مجلس هشتم، به لحاظ تنگ نظری و فضای ضد دموکراتیک حاکم بر آن، نمونه ایست بی بدیل. در این حکومت تمامی جریانات اپوزیسیون، از همان آغاز و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، از حق شرکت در انتخابات محروم بوده‌اند. این محرومیت، تنها شامل حال مخالفان نبوده است. با گذشت زمان، بخشی از نیروهای درون و پیرامون این نظام، همچون نهضت آزادی و نیروهای ملی-مذهبی نیز با ابزار نظارت استصوابی شورای نگهبان، از گردونه رقابت انتخابات حذف شده‌اند. بعد از انتخابات مجلس هفتم و به خصوص در جریان تدارک انتخابات مجلس هشتم، تیغ تصفیه بر گردن بخش دیگری از نیروهای معتقد به نظام و در راس آن‌ها، اصلاح طلبان حکومتی نیز نشست. در جریان این انتخابات برای نخستین بار، تصفیه نامzedها، از هیئت‌های نظارت وزارت کشور آغاز شد و توسط شورای نگهبان تکمیل گردید. ابعاد تصفیه چنان وسعت گرفته است که بسیاری از چهره‌های شناخته شده این نظام نیز از ورود به صحنه انتخابات باز داشته شده‌اند. هر چند که به تعدادی از تصفیه شدگان برای گرم کردن تنور انتخابات اجازه شرکت داده شده است، باز ابعاد حذف طرفداران نظام، کم سابقه است. سیاست حذف در این حکومت جدید نیست، اما آنچه که جدید است فرمایشی شدن کامل انتخابات با نتایجی از پیش تعیین شده است.

جمهوری اسلامی همواره تلاش نموده است تا با محروم نمودن نیروهای چپ و دموکرات و سکولار جامعه، حق انتخاب را به درون حکومت، محدود کند. هر چند که در درون حکومت نیز، این شورای نگهبان است که تعیین می‌کند که چه کسانی حق انتخاب شدن دارند، اما تا قبل از مجلس هفتم حکومتیان می‌توانستند برای انتخاب شدن در انتخابات شرکت کنند. در انتخابات مجلس هشتم این امکان محدود و در مجلس هشتم تقریباً مسدود شده است.

انتخابات مجلس هشتم، آئینه برخورد جمهوری اسلامی به حق انتخاب مردم است. در قاموس این نظام، نظر و رای مردم تا آنجا اهمیت دارد که به نفع صاحبان قدرت به صندوق‌های رای ریخته شود. آنچه که بی ارزش است، خود حق انتخاب آزادانه مردم است. این حکومت چنان در باتلاق فساد و خودکامگی فرو رفته است که حتی نمی‌تواند بپذیرد که رای مردم در محدوده خود طرفداران نظام حاکم نیز اثرگذار باشد. گرچه آزادی کامل انتخابات بین حکومتگران کنونی نمی‌تواند به تغییری جدی بیانجامد، اما بسته تر شدن این دایره نشانگر هراس حکومت از دخالت مردم، حتی در محدوده جابجا کردن «خودی‌ها» و بیانگر عمق فاصله گیری آنها از مردم است.

انتخابات مفهومی جز به رسمیت شناختن حق انتخاب آزادانه مردم، بدون دخالت صاحبان قدرت، ندارد و آزادی انتخابات بدون آزادی انتخاب شدن بی معناست. حق انتخاب با حق ورود آزادانه شهروندان به انتخابات معنا پیدا می‌کند. انتخاباتی که در آن تنها از مردم خواسته شود که پای صندوق‌های رای حاضر شده تا افرادی را از میان دایره بسته حاکمان برگزینند، انتخابات نیست، بلکه دعوت از مردم است برای مشروعيت دادن به انتصابات و گزینش‌هایی که پیشاپیش صورت گرفته است. دعویی است تنها برای تائید حاکمان و مشروعيت دادن به این نظام. پذیرفتن بی حقی مردم است در برابر مشتبه متجاوز و تن سپردن به توهینی است که به حق و حقوق افراد جامعه روا می‌دارند.

جمهوری اسلامی به رای مردم باور ندارد. این حکومت اگرچه انتخابات برگزار می‌کند و می‌کوشد که نهادهای حکومتی را مستقیم و غیر مستقیم با رای مردم مشروعيت بخشد، اما آنچه که برای خود اصل می‌داند، نه اصل انتخابات، بلکه تقدیمی است که برای نظر خود بر فراز رای مردم، قائل است. آنان با مشروعيت الهی برای خود، اراده شهروندان را نادیده می‌گیرند. از همین رو در طول نزدیک به سی سال گذشته نه تنها از اهمیت رای و نظر مردم کاسته شده است، بلکه انتخابات تا حد تشریفاتی پوچ و تو خالی تنزل پیدا کرده است.

حکومت حق مردم است. امروز در همه کشورهای نسبتاً آزاد جهان، حکومتگران تابع رای مردمند. با رای آن‌ها به قدرت می‌رسند و با همین رای هم از قدرت کنار نهاده می‌شوند. مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا کنون و بعد از پشت سر گذاشتن دو انقلاب، هم چنان در تلاش برای به کرسی نشاندن اراده خود و تابع نمودن حاکمان به رای خویش اند. اما، در طول بیش از صد سال گذشته جز در مقاطعی کوتاه، با حکومت‌های مستبد درگیر بوده اند. رای مردم همواره از طرف حاکمان زیر پا گذاشته شده است و بعد از هر دوره کوتاه تحولات سریع، دیکتاتوری و استبداد جدیدی جای قبلی را گرفته است که در این

میان حکومت مذهبی جمهوری اسلامی در نوع خود بدترین آن‌ها بوده است. این حکومت به رغم آن که از دل یک انقلاب ضد استبدادی سر برآورده است، خود به ایجاد و استحکام استبدادی به مراتب سیاه تر از پیش، دست زده است.

راه پایان دادن به استبداد و بی‌حقوقی مردم الزاماً تغییر آن با استبدادی دیگر نیست، پایان عمر یک حکومت مستبد زمانی به پی‌ریزی ساختمان یک جامعه آزاد کمک می‌کند که از همین امروز مردم برای اعاده حقوق خود مبارزه کرده و بتوانند این حقوق را در جامعه رعایت و تثبیت کنند. از این‌رو مبارزه برای آزادی انتخابات و مبارزه برای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، از مجرای مبارزه با نقض این حقوق توسط جمهوری اسلامی می‌گذرد.

تردیدی نباید داشت که بدون حضور مردم در پای صندوق‌ها، حکومت جمهوری اسلامی نمی‌تواند برجا بماند. هر چند ایوزیسیون آزادیخواه امروز قادر نیست بلافضله از این فضا برای پایان دادن به اختناق استفاده کند، اما بدون بایکوت این انتخابات فرمایشی نه پایه‌های رژیم اسلامی سست می‌شود و نه آلتراپلیتیوی می‌تواند در برابر حکومت قد برافرازد. راه پایان دادن به این زورگوئی و مقابله با نادیده گرفتن حقوق مردم ایران، مبارزه و پافشاری بر حق آزادی انتخاب، خواست برگزاری انتخابات آزاد و تامین شرایط آن از جمله آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و لغو همه قوانین تبعیض آلود بر اساس جنسیت، ملیت، نژاد و مذهب است.

ما گرچه به عنوان یک نیروی مخالف نظام جمهوری اسلامی خواهان برچیده شدن بساط این نظام هستیم، اما نه تنها نسبت به انتخابات در ایران بی‌توجه نیستیم، بلکه در هر کجا که مردم کشور ما حضور دارند و با اقدامات خود در تعیین سرنوشت جامعه موثرند، خود را ذینفع دانسته، نسبت به واکنش مردم حساسیت نشان می‌دهیم. از این‌رو بر این باوریم که حضور در پای این صندوق‌ها که کوچکترین روزنه‌ای برای امکان تاثیرگذاری باقی نگذاشته است، تنها به سود جناح حاکم است. ما دعوت به تحریم انتخابات مجلس هشتم را، دعوت به شرکت نکردن در انتخاباتی می‌دانیم که حکومت اش، از رای مردم در هراس است.

برای این که به تحریم انتخابات پاسخ مناسب داده شود می‌باشد سیاست نه به انتخابات مجلس هشتم و دفاع از انتخابات آزاد را به میان مردم برد. برخی از شرکت کنندگان در انتخابات، به دلیل تردید و بی‌چشم‌اندازی، به پای صندوق رای می‌روند. این تردید، با قدرت و نیرو در هم شکسته می‌شود. امروز عموم جریانات سیاسی آزادیخواه در داخل و خارج کشور این انتخابات را قبول نداشته و آن را نفي می‌کنند. افزون بر این، حتی برخی از نیروهای پیرامون حکومت نیز نمی‌خواهند هیزم تنوری باشند که آتش معرکه انتخابات جناح حاکم را شعله ور می‌سازد. اگر چه این مجموعه نمی‌توانند با هم فراخوان مشترک دهند، اما مسئولیت حکم می‌کند که همه آنانی که سخن مشترکی دارند بایکوت انتخابات را یک صدا پر طنین کنند. سایر جریانات سیاسی که از امکان حرکت مشترک برخوردارند، متحدا با اتخاذ سیاست و اقدام مشترک، نگذارند جمهوری اسلامی بیش از این رای مردم را در انتظار جهانیان، خرج مشروعیت بخشیدن به نظام استبدادی خود کند و در داخل کشور از آن، برای ارعاب و فربیکاری استفاده نماید.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بر این باور است که شرکت مردم در انتخابات مجلس هشتم فقط و فقط به سود حاکمان مستبد و در خدمت بقا و دوام آنها قرار می‌گیرد. از این‌رو خلوت نگهداشتن حوزه‌های رای‌گیری و خالی گذاشتن صندوق‌های رای را به سود آزادی و به سود حاکمیت مردم و به زیان استبداد می‌داند. در این راستا، دست همه آزادیخواهان را برای دامن زدن به افشای انتخابات فرمایشی مجلس هشتم به گرمی می‌فشارد و از هر ایده و پیشنهادی در دفاع از انتخابات آزاد و برای پرطنین کردن صدای نه به جمهوری اسلامی و نه به انتخابات فرمایشی اش، استقبال می‌نماید. امروز امکانات برای رساندن صدای آزادیخواهان به مردم ایران کم نیست. در صف مشترک فریاد آزادیخواهان را علیه انتخابات فرمایشی پرطنین کنیم.